



حکومت ساسانیان

زندگی نامه خسرو (انوشیروان دادگر)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۱۲ خرداد ۱۳۹۲ - ۸ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

کسری (انوشیروان دادگر) خسرو اول (کسری) انوشیروان دادگر، (شاهنشاه ایران از سلسله ساسانیان) بین سالهای ۵۳۱ تا ۵۷۹ میلادی بود. کسری انوشیروان مشهورترین و بزرگترین پادشاه ساسانی و یکی از تاثیر گذارترین شاهان ایران در طول تاریخ بوده است. در زمان او قصرهای باشکوه، شهرها، راه های تجاری، پل ها و سد های بسیاری ساخته شدند که برخی از آنها تا این زمان نیز همچنان پا بر جا هستند. در زمان فرمانروایی او دانش و هنر در ایران و امپراتوری ساسانی به نهایت شکوه و عظمت خود رسیده بود. دوره شاهنشاهی او به همراه دوره فرم



کسری (انوشیروان دادگر)

خسرو اول (کسری) انوشیروان دادگر، (شاهنشاه ایران از سلسله ساسانیان) بین سالهای ۵۳۱ تا ۵۷۹ میلادی بود. کسری **انوشیروان** مشهورترین و بزرگترین پادشاه ساسانی و یکی از تاثیر گذارترین شاهان ایران در طول تاریخ بوده است.

در زمان او قصرهای باشکوه، شهرها، راه های تجاری، پل ها و سد های بسیاری ساخته شدند که برخی از آنها تا این زمان نیز همچنان پا بر جا هستند.

در زمان فرمانروایی او دانش و هنر در ایران و امپراتوری ساسانی به نهایت شکوه و عظمت خود رسیده بود. دوره شاهنشاهی او به همراه دوره فرمانروایی نوه اش یعنی خسرو دوم (**خسرو پرویز**) به عنوان دومین دوره طلایی امپراطوری ساسانیان شناخته میشود.

واژه "کسری/ کسرا" که عربی شده "خسرو" است و عرب ها آن را به طور کلی برای شاهان ایران به کار می بردند، پس از اشغال ایران به وسیله ی مسلمانان، در خود ایران برای نام بردن از شاهانی که نام خسرو داشتند، ازجمله خسرو انوشیروان، به کار رفت.

شروع شاهنشاهی خسرو اول آغاز درخشانترین دوره عهد ساسانیان بود. او مزدکیان را سرکوب کرد. اصلاحات اقتصادی و مالیاتی کارآمدی را انجام داد که باعث پر پول شدن خزانه شاه و به طور همزمان فراهم آمدن رضایت مردم شد. خسرو ارتش را سازمانی و قدرتی دوباره داد.

او در طول دوره شاهنشاهی خود سه بار با امپراتوری بیزانس جنگ کرد، که بار اول با پیروزی های ایران که نقطه عطف آن فتح انطاکیه در سال ۵۴۰ میلادی بود، با قرارداد صلح موقت در سال ۵۴۵ میلادی پایان یافت. بزودی برای

بار دوم بین دو قدرت بزرگ جهان در آن زمان جنگ درگرفت و با به نتیجه رسیدن مذاکرات صلح در سال ۵۶۱ میلادی با انعقاد قرارداد صلح پنجاه ساله و خراجگذار شدن روم به شاهنشاهی ایران، جنگ خاتمه یافت. پس از ختم جنگ روم، خسرو در سالهای ۵۶۱ تا ۵۵۸ میلادی، دولت هپتالیان را که در اثر حمله یک قبیله ترک به سرداری سینجیو متزلزل شده بود، برانداخت.

رود جیحون مرز بین ایران و سرزمین خاقان ترک شناخته شد. این خاقان به زودی برای ایران دشمنی خطرناک‌تر از پادشاه هپتالیان گردید. بعضی قبایل ترک حتی در قفقاز نمودار شدند و خسرو برای اینکه از حملات آنان جلوگیری کند، بر استحکامات قلعه دربند افزود. در قسمت جنوب خسرو قدرت خود را بر یمن بسط داد. این مملکت آنزمان در دست حبشیان بود. وهریز، که یکی از سرداران خسرو بود، با اعراب همدست شد و در سال ۵۷۰ میلادی حبشیها را شکست داد و از جانب شاهنشاه به حکومت یمن منسوب شد. در همین سالها، سینجیو به تحریک بیزانس به ایران حمله کرد ولی استحکامات مرزی ایران جلوی پیشرفت او را گرفت. این رویداد و همچنین اغتشاشاتی که در ارمنستان به تحریک دولت روم درگرفت، باعث برافروختن آتش جنگی دوباره میان ایران و روم شد.

یوستینیانوس امپراتور بیزانس که فکر می‌کرد خسرو دیگر پیر شده‌است و توانایی اداره جنگ را ندارد با پشتیبانی ارمنیان مسیحی به ایران حمله کرد و شهر نصیبین را به محاصره درآورد. ولی خسرو موفق شد او را به سختی شکست دهد و با پیشروی در خاک بیزانس قلعه دارا را نیز به اشغال خود درآورد. در بین جنگ، تیبریوس امپراتور بیزانس شد و پس از چندی کش و قوس مذاکرات صلح بین دو قدرت آغاز شد ولی خسرو در سال ۵۷۹ میلادی درگذشت و نتیجه صلح را ندید.

در روایات شرقی خسرو اول نمونه دادگستری است و مولفان عرب و ایرانی حکایات بسیار در وصف کوشش او برای حفظ عدالت نقل کرده‌اند. همچنین عهد بزرگ تمدن ادبی و فلسفی ایران با شاهنشاهی خسرو اول آغاز می‌شود. در زمان وی کتاب کلیله و دمنه از زبان سانسکریت به زبان پهلوی ساسانی ترجمه شد، آزادی مذهبی برای ادیان غیر زرتشتی، مانند مسیحیت و یهودیت وجود داشت. هفت تن از فیلسوفان یونان در نتیجه تعطیلی مدرسه فلسفه آتن توسط امپراتور بیزانس و تعدیاتی که به حکما کردند به تیسفون و دربار خسرو پناه آوردند.

از قیودی که برای سایر مذاهب غیر مسیحی در کشور روم قائل شده بودند، می‌توان قیاس کرد که دربار ایران نسبت به آزادی مذهب دارای چه عقیده و مقام عالی بوده‌است. در این دوره بازی چترنگ یا شطرنج نیز از هند به ایران آورده شد. تیسفون پایتخت دولت شاهنشاهی ایران در عهد خسرو اول به منتهای وسعت خود رسید. دانشگاه پزشکی گندی شاپور در زمان خسرو از رونق خاصی برخوردار بود و مرکز علم پزشکی جهان به شمار می‌آمد. مسیحیان نستوری که در قرن پنجم میلادی از روم طرد شدند، به ایران پناهنده شدند و پزشکان حاذقی که در بین اینان بودند در مدارس پزشکی ایران از جمله گندی شاپور مشغول به کار شدند.

منبع : کریستین سن، ص ۲۶۸ و ۲۶۹ و ص ۲۹۷ و ص ۳۰۷ و ص ۳۰۶ و ص ۲۷۵ و ص ۳۰۲

کشورداری انوشیروان

در دوران پادشاهی خسرو انوشیروان که درخشانترین دورهٔ عهد ساسانی است، در کشور آرامش حکمفرما بود. در روایات شرقی خسرو انوشیروان نمونهٔ دادگستری و جوانمردی و رحمت است و مؤلفان عرب و ایرانی حکایات بسیار در وصف جد و جهد او برای حفظ عدالت نقل کرده‌اند.

مشهورترین بنایی که پادشاهان ساسانی ساخته‌اند قصری است که تخت تاثیر گویش عربی اشغالگران مسلمان طاق کسری یا ایوان کسری نامیده می‌شود و هنوز ویرانهٔ آن موجب حیرت است. ساختمان این بنا را به خسرو انوشیروان نسبت داده‌اند. وی ترتیب خراج ملک و ضبط لشکر داد و دفتر عرض و عارض، او پیدا کرد. کتاب کلیله و دمنه در عهد او از هند به ایران آوردند.

عهد بزرگ تمدن ادبی و فلسفی ایران با سلطنت خسرو انوشیروان آغاز می‌شود. ایران در زمان انوشیروان چنان عظمتی یافت که حتی از عهد شاهپوران بزرگ نیز درگذشت و توسعهٔ ادبیات و تربیت معنوی این عهد را کیفیت مخصوص بخشید.

.....

سرکوب مزدکیان و اعتلاء دادن به آیین زرتشت

با آنکه قتل و کشتار پیروان مزدک در اواخر عهد قباد روی داد، عامل اصلی این واقعه، خسرو انوشیروان بود که پیروان مزدک ولیعهدی وی را بخطر انداخته بودند و طبیعی است که او در آغاز سلطنت خویش نیز، در سرکوب بقایای پیروان مزدک دست به اقدامات جدی و شدیدی زده باشد.

سرکوبی مزدکیان، آیین زرتشت و طبقهٔ روحانیان را اعتلاء فوق‌العاده داد. در این ایام برای مقابله با تحریکات مسیحی و بیزانس و برای جلوگیری از بدعت‌هایی که در داخل ممکن بود اساس سلطنت را متزلزل کند، وجود یک آیین ملی لازم بنظر می‌آمد.

بطور کلی تا عهد خسرو انوشیروان تاریخ ساسانیان عبارت شد از، سعی در تقویت آیین ملی به منظور مبارزه با مذاهب تفرقه‌انگیز غیرملی، یا تسامح در مقابل اینگونه مذاهب به قصد مقاومت در برابر نفوذ طبقه‌ای که آیین ملی در دست آنها وسیله‌ای می‌شد برای کسب قدرت و اعمال نفوذ در امور حکومت.

شاهپور دوم و خسرو انوشیروان کسانی بودند که در جهت تأمین وحدت کشور و به قصد مبارزه با عوامل مخالف، آیین زرتشت را با قدرت و شدت ترویج کردند. آنچه این اقدام خسرو انوشیروان را بیشتر تثبیت نمود، توفیق او در جمع‌آوری اوستا بود.

منبع : زرین کوب، ص ۴۸۷

.....

سیاست انوشیروان نسبت به مسیحیان

آنچه از وقایع بر میاید، این است که انوشیروان نسبت بمذهب مسیحی، نظر سیاسی داشته، یعنی اساساً بر ضد این مذهب نبوده، ولیکن چون عیسوی‌ها را آلت دست رومی‌ها می‌دانسته، نسبت به آنها ظنین و مراقب بوده‌است.

انوشیروان نسبت به مسیحیانی که از روم رانده شده و به دربار او پناه آورده بودند، مساعدت کرده و هفت تن از فیلسوفان اسکندریه را در دربار خود پذیرفته و با آنها مهربانی کرد. نسطوریها که از نقطه نظر عیسوی‌ها، در آن زمان فرقه ضاله محسوب و تعقیب می‌شدند و به دربار ایران پناه آورده بودند، مورد توجه انوشیروان واقع شدند، بطوریکه کلیساهای آنها در تاریخ مذهب عیسوی، کلیساهای ایرانی نامیده شدند.

نسطوریها از این وضع استفاده کرده، در انتشار مذهب عیسوی جد و جدیت حیرت‌انگیزی بروز دادند. در زمان انوشیروان در هرات و سمرقند کلیساهای آنها دایر بود و در زمان‌های بعد مبلغین آنها تا چین و هند هم رفتند.

در اوایل سلطنت انوشیروان پسر او انوشه زاد بر پدر یابی شد ولی بزودی گرفتار گردید و او را در جند شاپور کور کردند. نوشته‌اند که انوشه زاد مسیحی بود و مسیحیان از او حمایت می‌کردند. بدین مناسبت اشخاص زیادی از مسیحیان پیرامون این واقعه گرفتار و مجازات شدند.

منبع : پیرنیا، ص ۳۳۹

.....

تشکیلات نظامی در دوران انوشیروان

در دوران ساسانیان، بیشتر مقام‌ها، از جمله پایه‌ها و درجات نظامی موروثی بودند. فرمانده کل نیروهای مسلح ایران تا سده ششم میلادی ایران سپهبد (ایران سپاهبذ) بود که از سوی انوشیروان این مقام ملغی شد. انوشیروان، ایران را به چهار بخش تقسیم کرد و در رأس هر یک از این بخش‌ها یک اسپهبد (سپاهبذ، فرمانده لشکر) جداگانه‌ای قرار داد. زیرا تمرکز قدرت نظامی در دست یک فرمانده، ممکن بود به کسب نیروی عظیم و طمع در تاج و تخت و وارد آوردن فشار بر شاهنشاه منجر گردد. تقسیم مناطق تحت نفوذ هر اسپهبد به شرح زیر بود:

اسپهبد شرق افواج خراسان و سکستان و کرمان. اسپهبد جنوب افواج پارس و خوزستان. اسپهبد مغرب افواج عراق را تا سرحد دولت بیزانس. اسپهبد شمال افواج ممالک ماد بزرگ و آذربایجان را بفرمان خود داشت. اسپهبدان مأمورین مهم دولت بشمار می‌رفتند و هر کدام در قلمرو خود صاحب اختیار بودند و بر یک ربع مملکت حکومت می‌کردند و معاونی در اختیار داشتند، موسوم به مرزبان. مرزبانان فرمانفرمای ایالت‌ها بودند. همچنین یعقوبی ذکر کرده‌است که هر اسپهبد (فرمانده لشکر)، یکنفر پادگوسپان تحت امر خود داشت.

منبع : کریستن سن، ص ۳۹۴ و ص ۵۴۲



طرحی از خسرو انوشیروان در حال شکار



خسرو انوشیروان نشسته بر تاج و تخت

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «زندگی نامه خسرو (انوشیروان دادگر)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/999/pdf/کسری-انوشیروان-دادگر.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵